(گوینده پیش از بالا رفتن پرده میخواند)
بابایی بامداد از راهی میگذشت
کلاغی را دید که پهن خر را نوک زده و میخورد.
بابا پرسید: کلاغ چه میخوری؟
کلاغ پاسخ داد: " لقمه الصباح"
بابا گفت: " پدر سوخته گه خوردنت چیه و عربی بلغور کردنت چی؟"

نمایشنامه ی " لقمه الصباح"

نویسنده:پزشک: جامی شکیبی گیلانی
۱۲ آوریل ۲۰۱۱

پرده ی نخست

(صحنه: همه جا کاشی سفید در و دیوار مانند بیمارستان - یک در بزرگ برقی رویش نوشته **ICU-OH**[1]
دکتر با روپوش سفید آهسته راه میرود .سرش پایین و در فکر است.
یکی زمین پاک میکند
یکی با میز چرخدار چایی و ناشتایی میبرد.
یکی با سبد بزرگ رختهای بیمارستانی بیماران را میبرد.)
(دکتر از جلوی زمین پاک کن که میگزرد)
زمین پاک کن: سلام آقای دکتر.
دکتر: سلام آقا
زمین پاک کن:دکتر جون میشه یه چیزی از شما بپرسم؟
دکتر: بپرس جانم.
زمین پاک کن: آقای دکتر این چیزها که توی خیابونا مینویسن " این بیل برد[۲] مال شما " یعنی چی؟ یکی بهم گفت اگه کسی چامسش(شانسش) خوب باشه بیلو میبره.
(دکتر دستی به چانه اش کشیده میگوید): نه جانم در سالهایی قدیم مردم برای نشون دادن دانش خود یا عربی مینوشتن یا میون حرفشون هی لغتهای عربی میانداختن. اما امروزه مد شده برای خودنمایی لغتهای عربی که نمیدونن بجاش انگلیسی یا فرانسه میندازن. و دلشون میخاد همه چیزشون **عینه آمریکا**(با آواز خیلی بلند) باشه.
حالا اون تخته هایی رو که کنار خیابون روش چیز مینویسن میگن "بیل برد" حالا روش چی نوشته بودن؟
زمین پاک کن: آقای دکتر یه جای دیگه نوشته بود " آب میوه با پا لپ[۳] سان ایچ" یعنی آب میوه رو با پا میخورن یا لپ؟ و گرنه هیچ؟
دکتر: نه جانم. اون پالپه یا گوشت میوه. دیگه چی خوندی؟

زمین پاک کن: یه جای دیگه نوشته بود "فست فود با کیترینگ"[۴] خیلی فک کردم. ببخشینا! فس به خودت کیر تنگ ببخشین خیلی بده!
دکتر: ای بابا تو که گندشو درآوردی.اینا همه اش تو **آمریکا مده مده**. خوراکی رو تندی بهت میدن اگه هم بخای میفرستن سر کارت!
(یک پرستار میآید روی صحنه)
پرستار: سلام آقای دکتر.
دکتر: سلام
پرستار:آقای دکتر میشه اینو برای من بخونین. نوشته از نظر MRSA جواب داده ناز نکنین و زیر بغل من که سر در نمیارم.
دکتر: بده ببینم.(و میخواند)(سر خود را میخاراند):

"۱۸ فروردین ۱۳۹۰
قابل توجه کلیه همکاران
پیرو دستورالعمل مصوب خدمات بالینی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در **محور ایمنی** بیمار در **دو راستای جراحی ایمن و کنترل** عفونتهای بیمارستانی مقاوم به درمان و به منظور پیشگیری از مخاطرات مربوطه انجام آزمایشات روتین پیش از جراحی برای کلیه اقدامات **تهاجمی** (جراحی و کاتتریسم و ...) برای آماده سازی بیمار و همچنین بررسی میکروب شناسی از نظر MRSA[5] براساس مصوبه کمیته کنترل عفونت بیمارستان برای کلیه بیماران در بدو ورود به شرح ذیل ضروری است. بدیهی است موارد خارج از این مصوبه با تایید اینجانب خواهد بود.
آزمایشات مورد نظر :
الف- روتین قبل از عمل و آنژیوگرافی:
CBC; FBS; BUN; creatinine; AST,ALT, HBSAG; HCV; HIV; UA;CT/BT/PT/PTT blood group &Rh

ب- نمونه گیری میکروبشناسی از نظر MRSA(تهیه ی سواب نازو فارین کس[۶] و زیر بغل)
مدیر عامل بیمارستان دکتر....."
دکتر: اما خانم این آزمایشها و کارهایی رو که نوشته درسته که صواب داره اما این سوابه و از ناز بیمار و یا ...(گلویش میگیرد و سرفه میکند)میگیرن. خوب البته اگه جلوی میکروبا رو بگیری ثواب هم داره صواب با صاد هم داره هم سواب سه نقطه هم با صاد و هم سواب با س داره!
پرستار: خیلی ببخشین آقای دکتر پس باید از نازش که سواب داره آزمایش کنیم اما اگه مریض مرد باشه کجاش سواب داره؟
دکتر: ببخشین خانم کار دارم دیشب بیمارم عمل شده باید برم.

(دکتر قدمها را تند کرده جلوی در**ICU-OH** ایستاده زنگ میزند ..... در بازنمیشود....باز زنگ میزند ....سپس با خود میگوید)
دکتر: آه فهمیدم **ICU-OH** برای چی نوشتن باید سه دفه بگی "اوه" تا باز شه.
دکتر: اوه... اوه... اوه...(صبر میکند باز در باز نمیشود)
دکتر: اوه... اوه... اوه... (باز در باز نمیشود)
یک پادوی سرخپوش میآید جلو: سلام آقای دکتر عید شما مبارک!
دکتر: امروز ۲۱ فروردینه.
پادو: بازهم مبارک باشه
دکتر: بیا آقا این ده تومنو بگیربگو ببینم این در چه جوری باز میشه؟
پادو: چشم آقای دکتر: (تند تند میزند روی شماره ها)
دکتر: **درست مسه آمریکا**... اجی مجی لا ترجی ابل مار قبل مار (همین موقع در باز میشود)

پرده ی دوم

(صحنه ICU با بیماران روی تختها گوش تا گوش خوابیده دستگاههای تنفس فر و فر میکنند. هیچ کس جز دکتر در بخش نیست.
دکتر خودش دولا شده پرونده ها را میگردد و پرونده ی بیمار را یافته روی میز گذاشته میخواند. از ته سالن از اتاق پشتی یک خانم پرستار آهسته میآید جلو)
پرستار: سلام
دکتر: سلام. چرا کسی نمیاد پرونده رو به من بده؟
پرستار: مگه نمیدونستین آقای دکتر اینجا دیگه **مسه نافه آمریکا** شده همه چی سلف سرویسه پرونده قدیمی شده .
دکتر: خوب بفرمایین این بیمار محمد علی حالش چطوره؟
پرستار: این مریضو **مامیش** میگه **ممی جون**.
دکتر: خوب گزارش بدین **ممی جون** چطوره؟
پرستار: آقای دکتر شما باید برین تو سایته بیمارستان اونوخت بپرسین چطوره! اونجا همه چی نوشته. اصلا دکتر جون چرا خودتونو خسته میکنین؟ میتونین از تو تختخوابتون حال بیمارو بپرسین. اما چون آمدین اینجا و خودتونو خسته کردین من براتون میگم.
دکتر: خوب بگو.
پرستار: ساعت ۷ دوباره رفت اتاق عمل ساعت ۹ اومد خونریزی داشت.
(همین جور که پرستار حرف میزند دکتر به تکه پنیری که پایین روی لبش چسبیده مینگرد و باز میپرسد)
دکتر:خوب گزارش عملش کجاس؟
(دکتر هر چه تند تند پرونده را برگ میزند چیزی پیدا نمیکند)
(پرستار پرونده را گرفته برگ میزند)
پرستار: آهاش ایناهاش آقای دکتر.
دکتر: گزارش عمل میذارن وسط پرونده؟
پرستار: آره برای این که اگه توفان شد یا زمین لرزه شد برگا رو برد وسطی بمونه سرجاش.

(باز تکه ی پنیر روی لب پایینیش بالا و پایین میرود)
دکتر: خانوم اشتری در مرغزار میچرید!
پرستار: یعنی چی آقای دکتر؟چرا متلک میگین؟
دکتر: یعنی این که پنیرو از روی لبت پاک کن! (پرستار با آستینش پنیر را پاک میکند.)
دکتر: خوب عمل دوم رو کی کرد؟ خود دکتر ؟
پرستار: نه دستیارش عمل کرد.
دکتر: گزارش عمل دوم کجاس؟
(پرستار تند تند برگ میزند اما چیزی پیدا نمیکند)
پرستار: همین الانه پیداش میکنم (گوشی را برمیدارد و شماره میگیرد): آقای کامپیوتر تند بیا بالا!
(دکتر هنگامی که پرستار تلفن میکند سینه ی بیمار را گوش میدهد)
دکتر: پس از عمل دوم عکس سینه گرفتید؟
پرستار: نه آقای دکتر. جراح گفت عکس نمیخاد.
دکتر: چقدر خونریزی داشته؟
پرستار: پس از عمل اول خیلی؟ به اندازه ی این سطل!
دکتر : پس از عمل دوم چقدر؟
پرستار: به اندازه ی دو تا این قوری چایی.
(در این هنگام دو جوان دوان دوان میآیند روی صحنه دوتایی یک کامپیوتر را بغل کرده هن هن میزنند)
پرستار: بیا آقای دکتر گزارشش اینجاس.
(یکی از جوانها که زبانش میگیرد میگوید):آقای دک دک ترتر هم همین الانه گوگو زارش شو شو کامپیو ترترمی می ده بی بی رورون
(جوان تق تق میزند روی تکمه ها - دکتر آزمایش بالینی را تمام میکند و به جوانها خیره میشود)
جوان: آقای دک دک تر تر دیروز پنج ملیون ریختن به حسابتون
دکتر(فریاد میزند): این هم که غلطه سه ملیون هم که زیر میزی بهم دادن پس کجاس؟
جوان: (تق تق باز میزند روی تکمه ها): به به ببین دک دک ترتر جون کامپیوترترتر می گه گه هف هف ته ی دی دیگه اونو می می نویسه اه اه
(دکتر اکنون میخواهد پانسمان جناغ بیمار را از بالا کمی باز کند)
پرستار: اه اه آقای دکتر بازش نکنین!
دکتر: چرا خانم؟
پرستار: آخه جناغشو باز گذشتن
دکتر: خوب پس چون خونریزی نداره به دکتر بگویید بیاید امروز سینه اش را ببندند.
پرستار:شوخی میکنین؟
دکتر:مگه با شما شوخی دارم؟
پرستار: آخه آقای دکتر پروفسور هفته ای دو روز عمل میکنه.میمونه تا پس فردا.
دکتر: پس بیما باید تا ۴۸ ساعت دیگه زیر بیهوشی و دستگاه تنفس باشه؟ از شنبه تا دو شنبه؟
پرستار: اگه نمیخاین بیدارش میکنم! بکشم؟
دکتر: چی رو بکشی؟

پرستار: لوله شو!
دکتر: نه نه . زنگ بزن با پروفسور حرف بزنم.
پرستار: نه نه الان خوابه بیدار میشه بعدش پوست مارو میکنه.همین جوری جناغش بازه بهتر هم هست!
دکتر: چطور بهتره؟
پرستار: آخه دکتر جون امروز ساعت سه ی صبح دیدیم قلبش خیلی آسه شد گذوشتیمش روی پیس میکر. اگه جناغش باز باشه پیس میکرو میذاریم تو ی سینش.
(در این هنگام در باز میشود و پزشک بیهوشی با شلوار کوتاه و کفش تنیس با راکت میآید توی آی سی یو .همین جور که راه میرود توپ را روی راکت میزند. چهار پرستار پشت سرش راه افتاده سر هر تخت میایستد و میپرسد): این چطوره؟
پرستار ها (همه با هم): خوبه دکتر جون!
دکتر بیهوشی : این چطوره؟
پرستار ها (همه با هم):خیلی خوبه دکتر جون!
دکتر بیهوشی : این چطوره؟
پرستار ها (همه با هم) معرکس دکتر جون!
......
دکتر بیهوشی : اون بابا که اونجا نشسته....خرش به چند؟
پرستاران (همه باهم): خر نداره دکتر جون.
(پزشک بیهوشی پیوسته توپ زده قر داده به سوی در میرود)
پزشک بیهوشی: پس من میرم بازی وقتی عمل شروع شد خبر بدین میام اتاق عمل
(دکتر اکنون پشت میز نشسته دستوراتش را مینویسد)
(یک خانم پرستار میماند در ته سالن روی صندلی نشسته زیر نگاتوسکوپ جدول پر میکند. یک کمک بهیار وردستش ایستاده)
پرستار: فاتی جون اون چه جور سوابیه که حرف اولش سین اه؟
کمک بهیار: چند حرفه؟
پرستار: چار حرفه. دنبالش هم نوشته گرفتنش سواب داره هم از ناز میشه گرفت هم از این کس [۷]
دکتر: خانوم پرستار مسؤل این بیمار کیه؟
پرستار: دکتر جون اون جوون تپلی بلن بالاس.
دکتر: پس کجاس؟بگویید بیاید دستورات را براش بخونم.
پرستار(از ته سالن): دکتر بیهوشی که رفت بازی اونم رفت دست به آب.
(جوان بلند بالا و تپل- پرستار مرد با لبخند از پله ها میآید پایین): جانم آقای دکتر چی میخاین؟
دکتر: میخوام این دستوراتو براتون بخونم.یک نوار هم امروز گرفته بفرستید ببینم.
پرستار مرد: همین امروز صبح گرفتیم بازم بگیریم؟
دکتر: نه اگه گرفتین دیگر نگیرید همان را بدهید ببینم.
پرستار مرد: پری جون اون نوار امروز صبح رو بده.
کمک بهیار (پری): از لای کاغذها روی میز Mayoدو تا نوار در میآورد و میدهد)
پرستار مرد: این مال امروز صبه .

(دکتر نوار را پهن کرده میخواند)
پرستار مرد تپلی: این یکی هم مال دیروز پس از عمله
(دکتر نوار دوم را هم گرفته پهن کرده میخواند - سرش را بلند کرده): این دوتاش هر دو یکیه!
پرستار مرد تپلی: نه یکی مال دیروزه یکی مال امروز صب!
دکتر: من اولوم ایکی سی بیر دور! نگاه هر دو تا یک تاریخ دارن و یک ساعت.
کمک بهیار (پری):آخه امروز صب دو تا گرفتیم.
پرستار مرد تپلی: پری جون پس مال دیروزو پیدا کن.
(کمک بهیار (پری) میگردد و یک نوار دیگر میآورد)
دکتر: (نوار را خوانده): پس از دیروز بلوک کامل داشته !
پرستار مرد تپلی:وای پری جون خاک بسرم پس من دیشب سیمهاشو غلطی وصل کردم.مال قلبو زدم به پوست مال پوستو زدم به قلب.
دکتر: بگو دکتر **میربلوک** بیاد.براش پیس میکر بگذاره.
پرستار مرد تپلی:چشم آقای دکتر پس بگم سینشو ندوزن تا دکتر بیاد پیس میکرم بذاره توش کار یه دفه تموم شه.
دکتر: آره خوبه- خیلی خوب فکریه!**آها از آمریکا هم بهتر:**
(دکتر با پرستار مرد تپلی و پری کمک بهیار و پرستار زن و پادو همه با هم)

" زر اومدی قرمه سبزی کلاغ خر قمپزی قربون ننه ات بگردی "

پرده میافتد.

1- ICU-OH: Intensive care unit: open heart
2- Bill-board
3- Pulp
4- fast food: catering
5- methicillin resistant staphylococcus aureus
6- swab; nasopharynx
7- nasopharynx نی زو فرینکس به انگلیسی یا نازو فارنکس به فرانسوی